خلاصه‌ای از تاریخچه مواجهه علماء با روایت « نزل علی حرف واحد»

جلسه قبل مطلبی که به ذهنم آمده بود را عرض کردم. یادم نیست که قبلاً مطرح شده بود یا نه. آن چه که به ذهنم بود این بود که می‌خواستیم دیدگاه و نگاه خود مرحوم کلینی رضوان‌الله‌علیه نسبت به روایات «نزل القرآن بحرف واحد» را به دست بیاوریم. چه دیدگاهی نسبت به این‌ها داشتند. چرا این سؤال به ذهنم آمد؟ چون مستندات روشنی پیدا کردیم که نشان می داد زمینه صدور روایات حرف واحد، بعداً عوض شد. وفات مرحوم کلینی در سیصد و بیست و نه است. وفات ابن مجاهد سیصد و بیست و چهار است. بعد از کار ابن مجاهد تا صد سال بعد، دیگر صحنه عوض شد. گفتم که می‌گفتند تکفیر می‌کنیم. لذا زمان مرحوم شیخ الطائفه یک فضایی تشکیل شده بود. لذا باید از آن‌ها جدا صحبت کنیم. دیدگاه خود مرحوم کلینی چه بوده؟ ما به‌دنبال این بودیم. از خود کافی به دست بیاوریم. این اصل سؤال است.

بعضی از فرمایشات آقایان که می‌آید چیزی به ذهنم می‌آید که تأکید کنم. فرموده بودند شما گفتید شیوع روایات حرف واحد از قرن یازدهم بوده. ببینید من عرض نکردم شیوع روایات «انما هو حرف واحد نزل من عند واحد» از قرن یازدهم بوده؛ شیوع روایت از همان زمان معصومین بوده؛ در کافی بازتاب همان شیوع است. قبلاً هم عرض کرده بودم. در شیوع آن‌ها هیچ گیری نیست. نزد شیعه در همه زمان‌ها واضح بود. آن چه که من عرض کردم این بود؛ این روایات با این شیوعی که از اول داشته در یک زمینه اجتماعی صادر شده که آن زمینه محو شد. ما شواهد روشنی را پیدا کردیم. زمینه صدور اصلاً محو شده بود. و لذا دو موضع گیری بعد از محو زمینه صدور روایت، صورت گرفته است. یکی؛ موضع گیری شیخ الطائفه در مقدمه تبیان، همچنین موضع گیری مرحوم طبرسی در مقدمه مجمع.

آن موضع گیری این است که می‌گویند این روایات –نزل القرآن بحرف واحد- شایع است و آن را مقابل «نزل القرآن علی سبعة احرف» می‌گذارند. می‌گویند خب بین شیعه معروف است که «انا القرآن نزل علی حرف واحد» ولی اهل‌سنت دارند «نزل القرآن علی سبعة احرف». این یک موضع گیری لطیفی است. همین اندازه است. بیشتر هم نیست. قبلاً ما مفصل از این‌ها بحث کرده‌ایم. مقدمه تبیان و مقدمه مجمع همین است. می‌گویند شایع از روایات شیعه این است که «انا القرآن نزل علی حرف واحد»؛ مقابل آن روایت بسیار معروف که اهل‌سنت ادعای تواتر می‌کنند. آن‌ها می‌گویند «انا القرآن نزل علی سبعة احرف». این دو عبارت را در مقدمه تبیان و مجمع داریم. قبلا هم عرض کردم که جمع آن با سائر کلمات شیخ و دیگران چه می‌شود.

اگر یادتان باشد صاحب فصل الخطاب مقابل طبرسی و شیخ –البته عبارت شیخ را در فصل الخطاب نیاورده اند- در آن جایی که فرمودند «لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا»، هم شیخ و هم مرحوم طبرسی فرمودند که این اختلاف قرائات اصلاً اختلاف نیست. همه آن‌ها حق است. بلکه اختلاف برای جایی است که می‌دانیم یکی از آن‌ها درست نیست. مرحوم نوری در فصل الخطاب موضع گرفتند و با این‌ها در افتادند که همین مرحله دومی است که می‌خواهم بگویم.

بنابراین یکی صدور روایات حرف واحد و یکی تبیین بعد از محو زمینه صدور است که در مقدمه این دو تفسیر آمده؛ به این نحو که بین شیعه معروف است که قرآن حرف واحد است. و این حرف واحد مقابل سبعة احرف است. آن چه که من از قرن یازدهم عرض کردم این است: به روایات «انما هو حرف واحد» برر در تعدد قرائات استدلال میکنند. نه برر در «سبعة احرف». پس دو فضا و دو باب است. از اینجا دیگر شروع شد. این هم فضای تحقیق است و ما هم طلبه هستیم و تحقیق میکنیم. حالا واقعاً باید برگردیم و پیدا کنیم. تا آن جایی که ما پیدا کردیم مرحوم سید نعمت الله جزائری اولین شخص بودند؛ قبل از ایشان در کتب شیعه از حدیث، از فقه، از تفسیر یک نفر پیدا کنید که بگوید چون روایات کافی میگوید «نزل القرآن علی حرف واحد» پس تعدد قرائات باطل است. مقصود معلوم باشد. بزنگاه عرض ما اینجا بود.

و الا ببینید قطب راوندی که قبر مبارکشان در صحن حضرت معصومه سلام الله علیها است، از بزرگان و اجلاء علماء امامیه هستند. مقام قطب راوندی شوخی نیست. ایشان فقه القرآن دارند که در نرمافزارها موجود است. در جلسات قبل هم من عبارت ایشان را آوردم و خواندم. فرمودند «علی مذهبنا یجوز العمل بالقرائتین». هر دوی آنها حق است. لیکن آن را در فدکیه هم گذاشتهام. خب او یک فقیه است که فقه القرآن نوشته؛ برای قرن ششم هستند.

شاگرد: ایشان بود که فرموده بودند برای همه این قرائات تا امیرالمؤمنین سند داریم؟

استاد: نه، عبارت فقه القرآن این نبود. ولی ایشان میگویند «علی مذهبنا یجوز العمل بالقرائتین[1]»؛ خیلی جالب است؛ یعنی هر دوی آنها درست است؛ «يطّهرن» یا «یطهُرن». به نظرم در ذیل این آیه بود. دو-سه جای فقه القرآن است. عباراتشان این را روشن میرساند. خب قطب راوندی کافی را نخوانده بودند که «انما هو حرف واحد»؟! خوانده بودند. پس چرا میگویند علی مذهبنا هر دو قرائت درست است و حق است و طبق حکم شرعی است؟! ما دنبال این هستیم که قبل از سید نعمت الله یک نفر از قبل قرن یازدهم پیدا شود که به روایت حرف واحد برای در تعدد قرائات استدلال کرده باشد. و لذا مرحوم نوری صاحب فصل الخطاب که به این روایت حرف واحد در در تعدد قرائات استدلال میکنند با مثل مرحوم طبرسی صاحب مجمع در میافتند و میگویند که حرف شما درست نیست. پس معلوم میشود که مبانی مرحوم طبرسی با مبانی ایشان دو تا است. اصلاً دو جور کار است.

پس این معلوم باشد که من عرض نکردم شیوع این روایت برای قرن یازدهم است. بلکه شیوع آن از اول بوده است. فقط در قرن پنجم به بعد چون زمینه صدور از بین رفته بود، روایت حرف واحد را مقابل سبعة احرف میگذاشتند. از قرن یازدهم به بعد از این روایت برای در تعدد قرائات استفاده کردهاند. این نکته خیلی مهمی است که ما از نظر تحقیقی هم بهدنبال آن هستیم تا شواهدی را پیدا کنیم. این یک نکته.

---

[1]فقه القرآن ج1 ص55؛و علی مذهبنا لا يحتاج إلى ذلك لأنا نعمل بالقراءتين فإنا نقول يجوز وطء الرجل زوجته إذا طهرت من دم الحيض و إن لم تغتسل متى مست به الحاجة و المستحب أن لا يقربها إلا بعد التطهير و الاغتسال. و القراءتان إذا صحتا كانتا كآيتين يجب العمل بموجبهما إذا لم يكن نسخ.

بازبینی #2
ایجاد شده 15 مارس 2024 18:19:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 15:52:47 توسط ... .